

# در فرانسه تاریخ رادیو

از آغاز پیدایش تا هزاره سوم



● گروه نویسندگان  
ترجمه: احمد پرهیزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## جنگ امواج

با شکست فرانسه و اشغال این کشور دوران تازه‌ای آغاز شد. رادیو توانست به عنوان سلاحی که می‌تواند بر میدان جنگ اثر بگذارد، جایگاهی برای خود دست و پا کند. سه کنش‌گر اصلی در میدان نبرد با یکدیگر رویا رو شدند. این سه، رادیو پاریس، رادیو ویشی (Vichy)، و **BBC** بودند.

در ماه می ۱۹۴۰ میلادی، همچنان که آلمان‌ها بر فرانسه یورش می‌بردند، بلندگوهای «ایستگاه‌های سیاه» آلمان درست به مانند رادیو رم، رادیو مادرید و رادیو مسکو امواج ناامیدی را بر سر فرانسویان چون بارانی فرو ریختند. موقعیت چالش‌برانگیزی بود؛

اشغالگران بر فرستنده‌های فرانسوی پر قدرت و استودیوهای مجهز دست یافتند. در هفدهم ژوئن سال ۱۹۴۰ میلادی، مارشال پتن (Petain) اعلام کرد که وی آماده برقراری آتش‌بس در مقابل آلمان‌هاست. کم و بیش هم‌زمان با این ماجرا، در هجدهم ژوئن ژنرال دوگل مردم را فراخواند تا نبرد را از لندن پی بگیرند. اکنون جنگ امواج درگرفته بود.

**BBC** هر شب برنامه‌ای به مدت یک ربع پخش می‌کرد. شش بولتن روزانه اخبار را به اطلاع فرانسویان می‌رساندند و روز نوزدهم ژوئن ۱۹۴۰ از ساعت ۲۰:۳۰ تا ساعت ۲۰:۴۵ برنامه **اینجا فرانسه** به مجموعه برنامه‌های **BBC** افزوده شد. برنامه را ابتدا ژان ماسون آغاز کرد و پس از وقفه‌ای کوتاه روز بیست و چهارم ژوئن با پی-یروردان ادامه یافت.

در مقابل، تقسیم فرستنده‌ها میان آلمان‌ها و دولت ویشی با خط مرزی همبسته بود. در منطقه اشغال‌شده، همه فرستنده‌ها تحت کنترل قدرت‌های اشغالگر بود. سازمان تبلیغات آبتیلانگ (Propaganda Abteilung) که روز هجدهم ژوئن ۱۹۴۰ بنا گذاشته شد، در حقیقت ارگان رسمی تبلیغات برای نازی‌ها در

حکومت پی‌یر لاوال (Pierre Laval) وابسته شد که او نیز نزدیکان خود را روی آنتن فرستاد. طی تابستان ۱۹۴۰ همکاران همیشگی هفته‌نامه من همه جا هستم از جمله آلن لوبروکوشیدند فضایی ضدانگلیسی، ضدسامی و به شدت موافق میل آلمانها بر این رادیو تحمیل کنند. اما روز سیزدهم دسامبر لاوال از قدرت کنار گذاشته شد و پخش رادیویی فضای مداراگر و آسان‌گیر دوران پیش از جنگ را دوباره بازیافت؛ فضایی که آمیخته با ایدئولوژی جدید انقلاب (La Revolution nationale) ملی بود.

در برنامه‌های رادیو ویشی آنچه تبلیغ می‌شد، اخلاق، کار، خانواده و حزب بود و خطابه‌های موعظه‌گرانه مارشال پخش می‌شد. بلندگوها اصول حکومت را در برنامه‌ها تبلیغ می‌کردند؛ برنامه‌هایی که عناوین آنها خود گویای همه چیز است: رادیو جوانان، رادیو کار، رادیو لژیون. اما از سال ۱۹۴۱ نارضایتی‌های عمومی را می‌شد مشاهده کرد. بخش زیادی از این مردم ناراضی سبک و لحن بدیع رادیو پاریس، رادیو سوتن (Sottens) و بیش از همه **BBC** را خوش می‌داشتند.



روز هجدهم ژوئن موريس شومن سخنگوی فرانسه آزاد برنامه شرافت و مبین را راه‌اندازی کرد که در آن دوگل، خود در مناسبت‌های خاص حضور می‌یافت.

پیش از این روابط سیاسی دو کشور انگلستان و فرانسه گسسته شده بود و رادیو آخرین پیوند میان دو کشور بود. در آغاز فعالیت سسیلیا ریوز - افسر سابق ارتباط میان **BBC** با پاریس - گروهی فرانسوی در لندن تشکیل شد که تحت نظر میشل سن دنی متحد ژاک دوشن کارگردان و نوه ژاک کوپو فعالیت می‌کرد. او از اکتبر ۱۹۴۳ روزنامه‌نگارانی مانند پی‌یر بوردان و ژان مارن، طراحانی مانند ژان اوبرله، موريس ون مویه و کسان دیگری مانند ژاک بورل، پی‌یر لوفور یا حتی پی‌یر داک را گرد خود جمع کرد. نقشی که آنان بر عهده داشتند عبارت بود از آگاه‌کردن فرانسویان، حمایت از اخلاقیات آنان و انتقاد از دولت ویشی و اشغالگران. گروه برنامه‌های خود را روز چهاردهم ژوئن سال ۱۹۴۰ میلادی با نام اینجا فرانسه آغاز کرد. از سپتامبر ۱۹۴۰ میلادی نام برنامه فرانسویان با فرانسویان سخن می‌گویند تغییر پیدا کرد. این برنامه

فرانسه بود. این سازمان از برخی فرستنده‌ها برای پخش برنامه به زبان فرانسه استفاده کرد. آلمان‌ها نام «ایستگاه ملی رادیو پاریس» را به این ایستگاه دادند که در محدوده ایستگاه پاریس خیابان شانزله‌لیزه قرار گرفته بود. رئیس رادیو، بوفینگر نام داشت. او مدیر سابق رادیو اشتوتگارت بود و کارمندانی متعلق به جناح راست افراطی را جذب کرد: کلود ژانته از پتی پاریزین، ژرژ سوآره مدیر امروز، لوسین روباته، و ژان لوستو روزنامه‌نگار در ژوسوی پارتو. در منطقه آزاد، پخش رادیویی ملی از پنجم ژوئن سال ۱۹۴۰ کار خود را بار دیگر آغاز کرد. فرستنده‌های آن قدرت اندکی داشتند و سرویس‌های آن در میان ویشی، تولوز (Toulouse) و مارس‌پراکنده بود. رژیم جدید از آن هم به عنوان یکی از تکیه-گاه‌های اساسی خود در امر تبلیغات استفاده می‌کرد. از تاریخ نوزدهم ژوئن پخش رادیویی به معاون مشاور

از ساعت ۲۰:۳۰ تا ساعت ۲۱ پخش می‌شد. آنان آمیزه‌ای از گزارش، خبر، ترانه و شعارهای طنزآمیز را ارائه می‌کردند. ترجیح - بند مشهور «رادیو پاریس دروغه، رادیو پاریس آلمانیه!» که خالق آن ژان اوبرله بود از ماه سپتامبر بر سر زبان‌ها افتاد.

هم‌زمان با این ماجراها، چرچیل موافقت کرد پس از بولتن خبری فرانسوی جایی هم به ژنرال دوگل از ساعت ۲۰:۲۵ تا ۲۰:۳۰ اختصاص داده، خبرهای مربوط به فعالیت‌های وی را پوشش دهد. روز هجدهم ژوئیه موریس شومن سخنگوی فرانسه آزاد (France Libre) برنامه شرافت و میهن را راه‌اندازی کرد که دوگل در مناسبت‌های خاص در آن حضور می‌یافت.

رفته رفته از جنگ کلمات به جنگ عمل می‌رسیم: روز اول ژانویه سال ۱۹۴۱ میلادی فرانسویان را فرا خواندند تا از ساعت ۱۵ تا ۱۶ خیابان‌ها را خالی کنند. سپس نوبت به «فراخوان پ-ها» رسید، یعنی از مردم خواستند تا همه جا روی دیوارها حرف «پ» را به نشانه پیروزی روی دیوارها بنویسند. غیر از آن بارها مردم را به تظاهرات در روزهای اول مه، ۱۴ ژوئیه، ۱۱ نوامبر و... دعوت می‌کردند. در سال ۱۹۴۱ دو ایستگاه زیرزمینی افتتاح شد: یکی فرانسه کاتولیک و دیگری رادیو گل. می‌توان گفت که در این ایام فرانسه آزاد به یمن میکروفون‌هایی که انگلستان در اختیارش گذاشته بود برای خود هویتی دست و پا کرده بود.

در مقابل چنین صدهای معترضی، اشغال‌گران نیز با فرستادن پارازیت و اعلام ممنوعیت گوش سپردن به ایستگاه‌های رادیویی ضد آلمان دست به ضد حمله زدند. آنان برنامه‌های رادیو پاریس را در اختیار داشتند که این رادیو نیز از سپتامبر سال ۱۹۴۰ درون مایه‌های اساسی خود را توسعه می‌داد: همدستی با آلمان‌ها به قصد ایجاد اروپایی جدید، یورش به انگلستان و فرانسویان لندن - نشین، یهودیان و فراماسون‌ها، ژرژ اولترامار یک نویسنده سوئیسی نازی که با نام مستعار شارل دیودونه فعالیت می‌کرد، برنامه یک فرد بی‌طرف با شما سخن می‌گوید را اجرا می‌کرد، حال آن که دکتر فردریش با لحنی سراسر دلسوزانه و همراه با عطف پدیری برنامه یک روزنامه‌نگار آلمانی با شما سخن می‌گوید را مجری‌گری می‌کرد. رادیو پاریس به‌طور ماهرانه تبلیغات را با سرگرمی در هم می‌آمیخت. نمونه چنین برنامه‌هایی با آهنگ زمانه (du temps Au rythme) بود، که موسیقی و ترانه طنزآلود با چاشنی گپ و گفت و نمایش‌های جهت‌گیرانه پخش می‌کرد. موسیقی در این رادیو تفوق کامل داشت؛ ایستگاه دارای ارکستر سمفونیک بود که رهبری آن را ریمون لوگران برعهده داشت و اغلب هنرمندان سرشناس آن عصر از جمله ایوون پرتان، تینو روسی یا موریس شوالیه را به برنامه دعوت می‌کرد.

از سال ۱۹۴۲ میلادی، جنگ امواج وارد مرحله تازه‌ای شد. رادیو خود به سلاحی جنگی تبدیل شد. رادیوی انگلستان آماج‌هایی در سر داشت: یکی هماهنگ - کردن کنش‌های مقاومت و دیگری برانگیختن توده منفعل فرانسوی و بردن آنها به سمت هواداری از متفقین. BBC غیر از آن که پیام‌هایی رمزی برای نیروهای مقاومت و افسران فرانسه

آزاد می‌فرستاد، بر شدت تبلیغات خود نیز افزود. رادیو برازویل که در حقیقت تنها رادیوی فرانسوی بود که ژنرال دوگل را قادر می‌ساخت تا آزادانه از تابستان ۱۹۴۰ صدای خود را به گوش همگان برساند، فراخوان‌های BBC را منعکس می‌کرد. علاوه بر این رادیو، ایستگاه‌های دیگری نیز بودند که با BBC هم‌نوازی می‌کردند: رادیو مسکو، صدای آمریکا، رادیو الجزایر و یک ایستگاه زیرزمینی فرانسوی انگلیسی که از ژوئن سال ۱۹۴۳ راه افتاد و نتیجه توافقی میان دوگل و چرچیل بود؛ این رادیو شرف و میهن (Honneur et patrie) نام داشت که به نهضت مقاومت وابسته بود. اهمیت یافتن رادیو برازویل باعث شد تا آلمان‌ها ایستگاه شبه گلیست با نام رادیو برازویل ۲ ایجاد کنند و بدین طریق سر مخاطبان را شیره بمالند.

رادیو لندن مخالفانی قدرتمند یافت. از جمله این مخالفان می‌توان به ژان ارولد پاکی اشاره کرد که از ژوئن ۱۹۴۲ در رادیو پاریس فعالیت می‌کرد. دیگری فیلیپ آنریو بود که هر دو هفته از ژانویه ۱۹۴۲ و از دسامبر ۱۹۴۳ دو روز یک بار در پخش رادیویی ملی برنامه‌ای اجرا می‌کرد.

از زمانی که پی‌یرلاوال در آوریل ۱۹۴۲ میلادی دوباره به قدرت رسید و پس از آن که همکاری‌ها شدت یافت، پخش رادیوی ملی رفته رفته بن‌مایه‌هایی مشابه رادیو پاریس را در برنامه‌های خود به کار می‌گرفت. مسئله یهود (La Question juive) و چریک با شما سخن می‌گوید که در رادیو ویشی ساخته و پخش می‌شد در حقیقت گزینه‌های برنامه‌های یهودیان ضد فرانسه و ال وی اف با شما سخن می‌گوید هستند که در رادیو پاریس پخش می‌شد. پخش گفته‌های فیلیپ آنریو در نواحی شمالی به سال ۱۹۴۳ و همچنین انتخاب وی به عنوان سکرتراری دولتی اطلاعات [رسانه‌ای] در ژانویه ۱۹۴۴ باعث یکسانی لحن و سبک دو رادیو شد.

عملیات‌های رلو (Releve) و اس تی او با درگیری‌هایی خشونت‌بار همراه بود. روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۲ پی‌یرلاوال در رادیو ویشی پیروزی آلمان‌ها را آرزو کرد. موریس شومان شب همان روز به وی چنین پاسخ داد: «به ارباب کارگران فرانسوی نه بگوییم!»

تبلیغات‌های ویشی و رادیو پاریس به مرور در جنگ امواج با شکست همراه شد. با این همه آنان از برخی شکست‌های متفقین به‌طور ماهرانه بهره گرفتند؛ از جمله پیاده‌کردن نیروها در دیپ (Dieppe) طی ماه اوت ۱۹۴۲ و بمباران فرانسه را به باد انتقاد گرفتند و گروه BBC در توجیه این عمل دچار مشکل شد. رادیو پاریس و رادیو ویشی که در همکاری افراطی با یکدیگر ناموفق بودند، می‌کوشیدند شکست‌های آلمان‌ها را مخفی نگه دارند و بنابراین روز به روز اعتبار خود را از دست دادند. در بهار ۱۹۴۴ میلادی یک نظرسنجی مخفیانه که نیروهای مقاومت انجام داده بودند نشان داد که ۷۰٪ فرانسوی‌ها به رادیو لندن گوش می‌دهند.

آلمان‌ها که می‌کوشیدند با موفقیت‌های رادیوهای متفقین

مبارزه کنند، در مارس ۱۹۴۴ میلادی تصمیم گرفتند بر ایستگاه-های تی اس اف در مناطق ساحلی مانس دست یابند. آنریو از آن پس اغلب سرسختانه با رادیو الجزایر، صدای آمریکا و نیز بی بی سی مبارزه می‌کرد. این خود نشانه‌ای بود بر نزدیک شدن پایان کار.

آرایش نیروهای نظامی در روز ششم ژوئن سال ۱۹۴۴ میلادی نهضت را سرعت بخشید. همچنان که بی بی سی با پخش توصیه-هایی مداوم برای فرانسویان می‌کوشید آنان را بسیج کند، آنریو سعی می‌کرد مقاومت را به انزوا بکشاند و توده منفعل را از قیام ضد اشغال بر حذر دارد. اما روز ۲۸ ژوئن سال ۱۹۴۴ او به دست نیروهای مقاومت از پای درآمد.

پس از یک تابستان که با جنگ فرکانس‌ها داغ‌تر شده بود، روز ۱۸ اوت ۱۹۴۴ رادیو پاریس پخش برنامه‌های خود را متوقف کرد و روز شنبه ۲۰ اوت در ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه شنوندگان پاریسی توانستند سرود مارسیز (سرود ملی جمهوری فرانسه) را از رادیو بشنوند. پیش از پخش سرود صدای گوینده می‌آمد که اعلام می‌کرد: «اینجا پخش رادیوی ملی فرانسه». روز ۲۶ اوت هم نوبت رادیو ویشی بود که صدایش قطع شود. نسیم بازسازی وزیدن گرفته بود.

تلویزیون برلین ضدطرحی را با مدل مشابه راه‌انداختند: آنان ایستگاهی بنا کردند که مخاطبان آن سربازان اشغالگر بودند. روز ۲۰ می سال ۱۹۴۲ میلادی فرماندهی عالی ورماخت (Wehrmacht) در برلین فرمان به خدمت‌گیری دوباره ایستگاه برج ایفل را صادر کرد. کورت هینزمن به عنوان مدیر تلویزیون پاریس انتخاب شد. سازمان تبلیغات آبتیلونگ تأمین مالی برنامه-ها را بر عهده داشت؛ رایش پست شریک تلفونکن مصالح مورد نیاز را بر عهده گرفت؛ پخش رادیویی ملی ویشی مسئول ایستگاه و استودیوها بود.

گروهی از تکنیسین‌های رایش پست به پاریس گسیل داشته شدند تا ایستگاه را که کارمندان رادیو پخش در ژوئن ۱۹۴۰ تخریب کرده بودند تعمیر کنند و با استانداردهای ۴۴۱ خطه آلمانی (به جای ۴۵۵ خطه ژرژ مندل) سازگار کنند. هینزمن در سفارت سابق چکسلواکی مستقر شد و هم‌زمان در پی یافتن مکان‌هایی جادارتر نیز بود. تئاتر شانزله‌لیزه و کاخ توکیو که در ابتدا برای این منظور لحاظ شده بودند، ناسازگار به نظر رسیدند و در نهایت مکان دیگری که در کنار خیابان دانشگاه قرار گرفته بود و شهر جادویی نام داشت انتخاب شد. عمارت خانوادگی آلما که پانسیون خانوادگی بود و در پلاک ۱۳ - ۱۵ خیابان کونیاک جی واقع شده

**در بهار سال ۱۹۴۱ واحد فرماندهی نظامی که در امر ارتباطات خبره بود تصمیم گرفت ایستگاه تلویزیون برج ایفل را که تا سپتامبر ۱۹۳۹ استفاده می‌شد به کار گیرد و ابزارآلات موجود را که به شرکت تلفونکن واگذار شده بود باز پس ستاند.**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

### تلویزیون فرانسه در دوران اشغال

کونیاک جی [خیابان] که نطفه تلویزیون فرانسه در آن بسته شد و جایگاه نخستین شبکه تا سال ۱۹۹۲ میلادی بود، در دوران اشغال فرانسه و به ابتکار آلمان‌ها پا گرفت. در بهار سال ۱۹۴۱ واحد فرماندهی نظامی که در امر ارتباطات خبره بود تصمیم گرفت ایستگاه تلویزیون برج ایفل را که تا سپتامبر ۱۹۳۹ استفاده می‌شد به کار گیرد و ابزارآلات موجود را که به شرکت تلفونکن واگذار شده بود باز پس ستاند. فریتس شروتر و کورت دیل که مسئول تلویزیون در تلفونکن بودند، برای سنگ‌اندازی در راه اجرای این فرمان - که به زعم آنان ناموجه بود- با همراهی آلفرد بوفینجر رئیس آنتن رادیویی سازمان تبلیغات آبتیلونگ و مدیر سابق رادیو اشتونگارت و همکارش کورت هینزمن معاون سابق

بود، با یک گاراژ در مجاورت آن هر دو مصادره و ضمیمه ساختمان شد. در این ساختمان عظیم دفاتر کار، امور فنی و یک استودیو به چشم می‌خورد که دارای ابزاری نمایشی بود که بیشتر به کار تئاتر می‌آمد تا تلویزیون. یک صحنه و تعدادی سکو که قادر به پذیرش سیصد تماشاگر بود از دیگر امکانات این استودیو بود. تجهیزات آن بغایت مدرن بود. برنامه‌ها روز هفتم می سال ۱۹۴۳ میلادی آغاز شد و گشایش رسمی روز ۳۰ سپتامبر اتفاق افتاد.

گروه تشکیل‌دهنده و دست‌اندرکار تلویزیون پاریس بسیار متنوع بود. آلمان‌ها، فرانسوی‌ها - که برخی از آنان در زمره ناراضیان اس تی او بودند که هینزمن برای آنها تصدیق کار جعلی جور کرده بود- و برخی خروج‌کنندگان از کشورهای مختلف در

هنگام آزادی فرانسه رادیو پخش فرانسه استودیویی بسیار مجهز همراه با کارکنانی آموزش دیده به ارث برد. به لطف نمی دانیم چه، فرانسه صاحب پیشرفتی تکنیکی و تحسین برانگیز شده بود.

### آزادی فرانسه و تصفیه

موقعیت رادیو پخش در روزگار آزادسازی کشور را باید با تضادی که میان ضعف ابزارهای کنش و اهمیتی که دولت موقت جهت فعالیت در عرصه سیاسی به آن می داد بررسی کرد. در این میان اهداف عام رادیو پخش نیز با این خواست دولت هماهنگ بود؛ اهدافی مانند حفظ سلطه فرانسه در مقابل دخالت‌های متفقین و تثبیت فوری قدرت دولت در کشوری چندپاره که هنوز کسی به درستی نمی دانست چه زمانی سراسر کشور به طور کامل آزاد خواهد شد.



تدارک آزادی رادیو با کوشش‌های کارکنان رادیو پخش ملی از جمله پی یر شافر، که با نهضت مقاومت داخلی ارتباط داشت، و زیر نظر ژان گینی برگ - روزنامه‌نگاری که پیش از جنگ در نشریه سازش ناپذیر و رادیو شهرک کار می‌کرد- به انجام رسید. رادیوی جدید که خود را «رادیوی ملت فرانسه» نام می‌گذاشت، ظهور خود را اعلام کرد، در حالی که مقامات و نیروهای نظامی متفقین همچنان حضور داشتند. این رادیو وقایع اصلی را که هنگام آزادی پاریس طی روزهای ۲۲ تا ۲۵ اوت اتفاق می‌افتاد، پوشش خبری می‌داد. با رسیدن پاییز رادیو در جهت فعالیت - های مرکزگرایانه حکومت تلاش می‌کرد و می‌کوشید برنامه‌های خود را هماهنگ‌تر پخش کند و دست قدرت‌های محلی و منطقه - ای را کوتاه نماید.

این کار آسان نبود. شبکه رادیویی کشور که سراسر مملکت را در سال ۱۹۳۹ زیر پوشش داشت، به دست آلمان‌ها در هنگام عقب‌نشینی کم و بیش یکسر ویران شده بود. تکنیسین‌های رادیو

اینجا گرد هم آمده بودند. علاوه بر کارکنان اداری و تکنیسین‌ها در این مجموعه چهار گوینده زن، سه کارگردان زیر نظر پیتر هورن، یک ارکستر دائمی متشکل از بیست و چهار موسیقیدان و چندین هنرمند از جمله هوارد ورنون، سوزی سولیدر و میشل دورلان یافت می‌شد. باید به این جمع همکاران مناسبی، برخی اعضای انجمن کمدی فرانسوی و هنرمندان آلمانی را که گذرشان به پاریس می‌افتاد اضافه کرد. تلویزیون پاریس هنگامی که در اوج بود حدود صد نفر را به استخدام خود درآورده بود. بینندگان تلویزیون در حقیقت متشکل بودند از مجروحان آلمانی جنگ که وارد استودیو می‌شدند یا اطراف دویست تا سیصد گیرنده تلویزیونی واقع در بیمارستان‌های پایتخت یا حومه جمع می‌شدند. علاوه بر این افراد صدها شخصیت عالی‌رتبه که شایسته داشتن یک دستگاه تلویزیون بودند از دیگر تماشاگران محسوب می‌شدند.

تلویزیون پاریس روزانه چهارده ساعت برنامه پخش می‌کرد. هر برنامه تلویزیونی حدود سه تا چهار ساعت طول می‌کشید؛ موسیقی و برنامه‌های رادیو آلمان در حقیقت مکمل تلویزیون بود. هدف اصلی این تلویزیون مانند برلین سرگرم کردن مخاطبان بود. شب‌ها جنگ‌هایی پخش می‌شد که در آن هنرپیشه‌ها، بازیگران سیرک و مشاهیر عالم موسیقی شرکت می‌کردند. دو بار در روز همراه با پخش اخبار تبلیغات وافی و کافی انجام می‌شد. تصاویری که از پاریس گرفته می‌شد و مستندهایی از هر نوع نظیر کلاس تینیس که مدرس آن آنری کوشه قهرمان این رشته ورزشی بود در زمره این برنامه‌ها بود. علاوه بر آن نمایش‌های زیادی (از جمله آثار موسه، کلیست و شکسپیر) همراه با شماری فیلم داستانی تلویزیونی پخش می‌شد. پیتر هورن نخستین قواعد نوشتار تصویری را پی می‌افکند: طرح و توطئه ساده، دیالوگ - های کوتاه و دکورهای متنوع. هیچ‌یک از تصاویر و فیلم‌های این برنامه‌ها حفظ نشده است، جز دو فیلم کوتاهی که در حقیقت اخبار فرانسوی است و در استودیوی شهر جادویی ساخته شده بود.

روز ۱۶ اوت سال ۱۹۴۴ میلادی پخش برنامه‌ها دچار وقفه شد. نمایندگان رایش پست حقوق‌بگیران فرانسوی را اخراج کردند و مکان‌های خود را به همراه ابزارآلات به رادیو پخش ملی واگذار نمودند. هینزمان فردای روز عزیمت خود، یعنی ۱۹ اوت، دستور ویرانی ایستگاه ایفل را دریافت کرد، اما او این فرمان را نشنیده گرفت.

بخش عجیب و غریب تاریخ تلویزیون را باید آنجا دید که تلویزیون پاریس تبلور اهداف گوناگونی بود. از نظر مسئولان وزارت تبلیغات و رایش پست این تلویزیون نخستین گام از طرح عظیم ایجاد تلویزیون اروپایی تحت سیطره آلمان بود؛ وقتی صلح برقرار شد نوبت آن رسید که جنگ کنار رود و تبادلات برنامه‌ای آغاز شود. در مدتی کوتاه نیز ایستگاه پاریس به عنوان رزرو دستگاه‌ها برای رایش پست به حساب می‌آمد و به یمن وجود تجهیزات آن رایش پست قادر بود در مقابل رقبای خود در وزارت خارجه و سازمان تبلیغات برتری خود را نشان دهد.

می‌کوشیدند شبکه کمکی را جایگزین کنند. این شبکه از فرستنده‌های کوچک تشکیل شده بود.

خیلی زود اختلافات سیاسی میان وزیر اطلاعات (رسانه-ای)، پی‌یر آنری تتران و مدیر رادیو، ژان گینی بر پدیدار شد. مواعی که در راه همدلی اولیه ایجاد شد خود گویای این امر است. گینی بر که مورد حمایت کمیته آزادسازی رادیو (متشکل از کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها) بود - به خلاف طرح‌هایی که مخفیانه در دست تهیه بود - آرزو داشت سرویسی همگانی بنیان گذارد که دارای انحصار مطلق و در چارچوب بنگاهی باشد که دولت چه در زمینه تشکیلات اداری و چه در زمینه اطلاع‌رسانی در آن دخالتی نکند و خودمختاری آن حفظ شود. مدیر در موارد مختلفی خواست خود در جهت حفظ قدرت و استقلال خود را نشان می‌داد. سرچشمه درگیری وزیر با او را باید در همینجا جست. وزیر جهت‌گیری برنامه‌ها را تأیید نمی‌کرد و ژان گینی بر آرزو می‌کرد این رادیو در دسترس عامه مخاطبان باشد تا ارائه خدمات عمومی باعث شود شنوندگان ایستگاه‌های خصوصی پیش از جنگ را به فراموشی بسپارد.

این خواست بنیان‌گذاری رادیویی دولتی و به واقع جدید در مقابل نگرانی‌های کارکنان نیز قرار می‌گرفت که مشتاق بودند چنان موقعیتی داشته باشند که بتوانند نقش فعالی ایفا کنند (نقشی که به دست دولت ویشی از میان رفته بود) و چندان تمایلی به انجام اصلاحات افراطی درون مؤسسه نداشتند. به علاوه، مدیریت چریکی و تا حدی آشفته ژان گینی بر به شدت به باد انتقاد گرفته می‌شد، در حالی که تصفیه‌ها تش‌های درونی را تشدید می‌کرد. تصفیه‌های اداری درست مشابه روندی که در جاهای دیگر بود پیش می‌رفت. پس از گذشت دوره کوتاهی که در آن نیروهای مقاومت تا حدی امور را به دست گرفته بودند، وزیر وارد میدان شد و قدرت و کنترل اوضاع را دوباره در چنگ خود گرفت. او کمیسیونی رسمی پی‌ریخت. این کمیسیون پرونده‌ها را بررسی و برخی را از کار معلق می‌کرد و حق داشت مجازات‌های مشخصی پیشنهاد کند. در مجموع، وزیر جوش و خروش کمیسیون برای تصفیه را کاهش داد؛ کمیسیونی که تا ژانویه سال ۱۹۴۵ حدود ششصد پرونده جمع‌آوری کرده بود و از این میان پیشنهاد ۳۵۰ تعلیق داده بود. اما در مقایسه با دیگر بخش‌ها تصفیه در رادیو سخت‌گیرانه‌تر بود، به‌خصوص از نظر تعداد معلق‌شدگان از کار (حدود ۶٪) و از نظر شکل تعلیق‌ها (بیش از ۵۰٪ ممنوعیت قطعی و عزل). علاوه بر کارکنان، مؤلفان، بازیگران و مجریانی که برای رادیو پاریس و تلویزیون آلمان کار می‌کردند نیز تصفیه شدند. رادیو که میان تمایل برای مجازات چنین همکاری‌هایی که شباهت فراوانی به نوعی خیانت معنوی داشت از یک سو و ضرورت استخدام این هنرمندان برای ساخت برنامه‌ها از سوی دیگر سرگردان مانده بود، پیمانی منعقد کرد که براساس آن به صورت زیر افراد جریمه می‌شدند: به ازای هر برنامه ساخته‌شده برای رادیو پاریس ۱۵ روز ممنوعیت از کار. در هنگام آزادسازی، اولویت به مشکلات فنی و سیاسی

عمومی (استقرار قدرت‌ها و بازسازی اتحاد سرزمین) داده شد. بدین قرار مسئله سرشت و سازمان‌دهی سرویس عمومی رادیو پخش به آینده واگذار شد.

### رادیو پخش تلویزیون فرانسه

هنگام آزادسازی فرانسه، برنامه مقاومت درباره آینده خدمات عمومی رادیو پخش تا حدودی محقق شد. بر این اساس قرار بود در چارچوب انحصار مطلق، رادیو پخش دولتی بنیان گذاشته شود که خودمختار باشد و زیر بار منافع خصوصی افراد و مداخله‌های سیاسی نرود. این طرح که در ژانویه سال ۱۹۴۶ میلادی منتشر شد، مورد حمایت اس‌اف‌ای او و حزب کمونیست بود که بلافاصله مورد اعتراض واقع شد و به بایگانی سپرده شد. موضوع انحصاری‌بودن و مأموریت آر تی اف (که به قیاس آر تی اف در سال ۱۹۴۹ چنین نامی گرفت) در فوریه ۱۹۵۹ تبیین شد و حکومت تا آن زمان مشغول رتق و فتق اموری بود که طی جمهوری چهارم بر جای مانده بود.

تداوم این خلأ قضایی دلایل متعددی داشت. انحصار مطلق رادیو پخش به روشی غیرمستقیم و موقت براساس حکم روز ۲۳ مارس سال ۱۹۴۵ برقرار شد که مطابق آن مجوز ایجاد را از ایستگاه‌های خصوصی پس می‌گرفت؛ مجوزی که در زمان جمهوری سوم اعطا شده بود. اما این کار هم منجر به وحدت نشد. مداراگران، افراطیون و بخشی از ام‌آر‌پی با طرح قانونی که اداره رادیو ریخته بود و دولت بلن در ژانویه سال ۱۹۴۷ میلادی تصویب کرده بود، مخالفت کردند. پس از گسست سه حزبی، دولت‌های نیروی سوم در بازگشایی پرونده تردید نشان دادند، چون به نظر می‌رسید که جمع‌آوردن اکثریت مورد نیاز دشوار باشد. طی سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۶ میلادی درباره این وضعیت بحث شد، اما هیچ توافق مشخصی صورت نگرفت.

یافتن راهکاری سیاسی بسیار مشکل و پیچیده بود، چرا که بخش‌های درگیر در این بحث مدام مداخله می‌کردند: مطبوعات چاپی، اصحاب هنر، صنایع رادیو الکتریک و دست‌اندرکاران تبلیغات هر بار که طرحی منافع آنان را به خطر می‌انداخت، تظاهرات می‌کردند.

تغییر سیستم اداری رادیو به یک بنگاه عمومی مستلزم تحول موقعیت کارکنان بود. باید خاطر نشان کنیم که کارکنان مذکور علاقه‌مند بودند تضمین‌هایی به آنان داده شود. کارکنان که بسیار به وحدت سرویس عمومی رادیو و تلویزیون دل‌بسته بودند، طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰ در مقابل ایجاد مجمع مختلط تلویزیون ایستادند، چون ممکن بود دو رسانه را از هم جدا کند.

بالاخره سرویس‌های اقتصادی که از انحراف هزینه می‌ترسیدند، همچنان قدرت کنترلی خود را حفظ نمودند و بر این اساس هرگونه طرح خودمختاری را ملغی کردند. آر تی اف براساس قانون وضع‌شده در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۴۹ تحت کنترل پیشینی مخارج قرار گرفت. این قاعده اگر چه با سرشت فعالیت-

های آن هماهنگی نداشت، به هر جهت پابرجا ماند. آر تی اف که وضعیت مشخصی نداشت، در رژیم اداری به وجود آمده بود. به رغم معضلاتی که پیش راهش بود مأموریت- های خود را به انجام رساند و چون عملکردش تأثیرگذار بود، انحصار حکومت دوام یافت. از نظر تجهیزات در مدت حدود شش سال تلاش فراوانی کرد تا شبکه رادیویی را که در سال ۱۹۴۴ میلادی نابود شده بود از نو بسازد. تمام مدتی که در گیر و دار رسیدن به این هدف بود، شمار کارکنانش که به حدود ۳۷۰۰ نفر می رسید افزایش چشمگیری نیافت. وقتی از این مرحله به سلامت عبور کرد (یعنی از سال ۱۹۵۴ به بعد)، توسعه تلویزیون قطعیت یافت.

انجام مأموریت های اطلاعاتی و تولیدی توسط آر تی اف به رغم موانعی نظیر کمبود بودجه و انتقادات شدید باعث شد تا به بازیگری مهم در صحنه کشور بدل شود. مأموریت «اطلاعات ملی» که به آر تی اف تفویض شده بود در چشم هم روزگاران

نامطمئن آر تی اف گذاشت. قوه مجریه با قدرت عمل می کرد و مورد حمایت اکثریتی عظیم قرار داشت. ژنرال دوگل خیلی زود دریافت که تلویزیون را می توان همچون وسیله ای برای مخاطب قراردادن افکار عمومی استفاده کرد. حکم پنجم فوریه سال ۱۹۵۹ میلادی بر انحصار دولت صحنه می گذاشت و آر تی اف به نهادی عمومی با مشخصه صنعتی و تجاری بدل شد؛ نهادی که تا حدودی دارای نوعی خودمختاری اداری بود. اما با درخواست سازمان اقتصاد وجوه کنترل اقتصادی پیشاپیش حفظ می شد. کارکنان می پذیرفتند که از چارچوب های کنش عمومی خارج شوند، اما برای انجام این کار تضمینی می خواستند.

با این همه فرمان مذکور مرهمی بر درد مسائل ساختاری نبود؛ مسائلی که منبعث از توسعه سرویس عمومی و به خصوص گسترش سریع تلویزیون بود. آر تی اف همچنان اداری باقی ماند و به نظر می رسید سازمان دهی آن چندان با پیچیدگی روزافزون وظایفش سازگاری نداشت؛ اداره دو رسانه متفاوت و حتی رقیب

آر تی اف هم از نظر حجم و هم از نظر تنوع برنامه هایش و نیز به دلیل استخدام شمار زیادی از افراد توانست به عنوان بازیگری اصلی در نزد اهالی صحنه جایی برای خود دست و پا کند، به خصوص در جمهوری چهارم که تنها بودجه مختصری صرف امور فرهنگی می کرد.



همدیگر، جهت گیری و مسائل اداری - مالی طرحی که روز به روز بزرگتر و بزرگتر می شد. درست به همین دلیل بود که به سال ۱۹۶۲ میلادی آلن پیرفیت به فکر بررسی و تدارک طرح تازه ای افتاد.

ضروری و مشروع به نظر می رسید. در این معنی بسیاری اتفاق- نظر دارند. دخل و تصرف در بخش های مختلف خبری البته باعث می شد تا بحث های داغی درگیرد، منتها در زمان جنگ سرد و سپس دوران جنگ الجزایر طبیعی به نظر می رسید که رادیو منافع ملی را لحاظ کند که مشخص است این امر همواره در اولویت قرار دارد؛ دفاع از جمهوری در مقابل دشمنان کمونیستش، تأیید و پررنگ کردن سلطه و قدرت فرانسه بخشی از این کارهاست.

سر آخر این که، آر تی اف هم از نظر حجم و هم از نظر تنوع برنامه هایش و نیز به دلیل استخدام شمار زیادی از افراد توانست به عنوان بازیگری اصلی در نزد اهالی صحنه جایی برای خود دست و پا کند، به خصوص در جمهوری چهارم که تنها بودجه مختصری صرف امور فرهنگی می کرد.

به سال ۱۹۵۸ میلادی تغییر رژیم نقطه پایانی بر موقعیت